

# بلای بی‌تاریخی و جهان بی‌آینده

▪ رضا داوری اردکانی ▪

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



نقدفرهنگ

۱۴۰۲

■ سرشناسه: داوری، رضا، ۱۳۱۲ - عنوان و نام پدیدآور: بلای بی تاریخی و جهان بی آینده / رضا داوری اردکانی. ■ مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۴۰۱. ■ مشخصات ظاهری: ۲۴۱ ص. ■ شابک: ۹-۶۳-۷۹۱۹-۶۲۲-۹۷۸. ■ وضعیت فهرست نویسی: فیبا ■ موضوع: عقب ماندگی اجتماعی؛ فرهنگ؛ فلسفه؛ توسعه پایدار ■ رده بندی کنگره: HM ۲۹۱ ■ رده بندی دیویی: ۳۰۲/۵۴۲ ■ شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۳۴۵۶۰



نقد فرهنگ

■ نام کتاب: بلای بی تاریخی و جهان بی آینده

■ نویسنده: رضا داوری اردکانی

■ نوبت چاپ: اول

■ سال انتشار: ۱۴۰۲

■ تیراژ: ۵۰۰ نسخه

■ شابک: ۹-۶۳-۷۹۱۹-۶۲۲-۹۷۸

■ قیمت: ۱۷۵,۰۰۰ تومان

naqdefarhangpub

@naqdefarhangpub

www.naqdefarhang.com

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳، تلفن: ۷۶۲۷۳۷۴۸

تلفن مراکز پخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

## فهرست

مقدمه .....	۷
۱. فلسفه و توسعه .....	۱۱
۲. نظری به غرب متجدد .....	۲۵
۳. مواجهه با تجدد .....	۵۳
۴. فرهنگ و راهبرد زندگی .....	۷۱
۵. درباره فرهنگ .....	۸۳
۶. ملاحظاتی درباره طبیعت و آلودگی محیط زیست .....	۹۷
۷. فلسفه و فضای مجازی .....	۱۰۹
۸. حفظ صلح تا کی و کجا و چگونه ممکن است؟ .....	۱۱۳
۹. شعر در شهر قدیم و در عالم جدید .....	۱۲۳
۱۰. فرهنگ و توسعه .....	۱۴۹
۱۱. فهم توسعه .....	۱۸۱
۱۲. درباره توسعه و توسعه نیافتگی .....	۱۹۷
۱۳. افسانه توسعه پایدار .....	۲۱۷
۱۴. آینده نگری و توسعه .....	۲۲۱
۱۵. توسعه و برنامه ریزی .....	۲۳۱

## مقدمه

تاریخ بشر را به اعتباری می‌توان به دو بخش جدید و پیش از تجدد تقسیم کرد. مدت تاریخ تجدد در قیاس با تاریخ قدیم کوتاه است و به این جهت شاید این تقسیم نامناسب بنماید و کسانی درست بدانند که گذشته درازمدت تمدن‌های بزرگ را یک بخش، و پانصد سال تاریخ جدید را بخش دیگر بدانند و چه بسا این گمان به وجود آید که با این تقسیم، تاریخ جدید بر سراسر گذشته ترجیح یافته و برتر از تاریخ ایران و مصر و چین و هند انگاشته شده است. ملاک این تقسیم، عظمت و شایستگی و دانایی و توانایی نیست. اقوام چینی و هندی و ایرانی با همه اختلاف‌هایی که با هم داشتند، شباهت‌ها و قرابت‌های بسیار نیز داشته‌اند. اما تاریخ تجدد، تاریخی به کلی متفاوت از تاریخ‌های قدیم است. این تاریخ، زمان به قدرت رسیدن انسان و سعی در ساختن جهان و سپس خلع او از قدرت و محو شدنش در فضای سلطنت تکنیک است. این تنها تاریخی است که آدمی در آن با دعوی دایم‌مداری کار جهان و سودای قدرت خدایی، راهی تازه گشوده و در طی پانصد سال، جهانی ساخته است که اکنون دیگر به حکم و فرمانش وقعی نمی‌گذارد. درست بگوییم، جهانی که در طی پانصد سال اخیر ساخته شده است، دیگر به خواست و صلاح زندگی آدمی کاری ندارد و بی‌اعتنا به آن سرخویش گرفته و به راهی می‌رود که هیچ کس از مقصدش خبر ندارد. حادثه مهم قرن اخیر، پدید آمدن وضعی خاص در حاشیه جهان جدید است که

«جهان توسعه نیافته» نام دارد. تعبیر «جهان» توسعه نیافته چندان مناسب نیست. زیرا، وضع توسعه نیافتگی، نظمی را که یک جهان باید داشته باشد، ندارد. این وضع، از یک جهت به جهان جدید و از لحاظ دیگر با جهان قدیم شباهت‌ها دارد. اما، تفاوتش با این هر دو، تفاوتی اساسی است. وضع توسعه نیافتگی وضع بی‌تاریخی است. گویی، وقتی جهان قدیم از مرکب تاریخ خود پایین آمد تا در قطار تاریخ جدید جایی پیدا کند، قطار به راه افتاده و مسافر از رسیدن و سوار شدن به قطار بازمانده است. پیاده شدن از تاریخ قدیم و پیدا نکردن جایی در تاریخ جدید، درد بی‌تاریخی است. تعبیر «بی‌تاریخی» هنوز چنان که باید روشن نشده است. برای درک این وضع در نظر آوریم که زندگی مناسب و شایسته با همبستگی و همنوایی و فهم و درک مشترک مردمان محقق می‌شود. مردمان، اشخاص و افراد پراکنده نیستند، بلکه در جهانی همبسته با هم زندگی می‌کنند و فهم مشترکی دارند که زندگی‌شان را راه می‌برد. وضعی که در آن، این همبستگی و فهم و درک مشترک وجود نداشته باشد، وضع بی‌تاریخی است. توسعه نیافتگی وضع بی‌عالم بودن و بی‌تاریخ بودن است. در وضع بی‌تاریخی، فهم دچار پریشانی می‌شود. این فهم پریشان نه راه می‌شناسد و نه کارسازی می‌کند. اما چون با آشوب و پریشانی و سرگردانی روبرو شده است، ممکن است میل به قهر و ناآرامی و ویرانگری و نابودسازی داشته باشد. اکنون بی‌تاریخی بسیاری از اقوام قدیم و پریشانی فهم و درک آن‌ها با پایان تاریخ جدید و خسوف خرد آن مقارن شده است. به این جهت، درس آموزی از تجدد دشوار شده و تقلید، دستور عمل شده است. نسبت وضع توسعه نیافتگی با گذشته تاریخی نیز نسبتی کم‌ویش تقلیدی است و اگر اعتقادات قدیم با فهم و درک سطحی فرارسیده از جهان جدید تفسیر شود، چه بسا که حاصلش اوهام و خیالات خطرناکی باشد که جهان مستعد جنگ و آشوب کنونی را به پرتگاهش نزدیک تر سازد. برای پرهیز از چنین آشوب و خطری خروج از توسعه نیافتگی ضرورت دارد.

دفتری که در دست دارید گزارش وضع جهانی است که در پایان تاریخ خود قرار دارد. بخشی از این جهان، آغاز و دوران تحول و پایان تاریخ خود را آزموده است. اما بخش دیگر، از زمان و دوران تحول چندان خبری ندارد و دوران پایانی، یعنی دوران

- سلطنت تکنیک را تمام تاریخ جدید و کمال آن می‌انگارد و به قهر آن تسلیم شده است، هر چند که از این تسلیم نیز خبر ندارد. در این وضع باید تأمل کرد. از انتشارات گرامی نقد فرهنگ که این دفتر را چاپ و منتشر می‌کند، سپاسگزارم. از همکاران گرامی ام‌آقای مهندس سید علی پزشکی، خانم بهاره برزگر و خانم مرضیه مقدم که در آماده‌سازی این دفتر شرکت موثر داشته‌اند نیز بسیار ممنونم.

رضا داوری اردکانی

بهمن ۱۴۰۱